

## ماده واحده اردی بهشت ۱۳۳۹ (قانون مطالبه دیون)

مقدم بر ورود بحث نسبت به متن مطلب ناچار از بیان مقدمه و افشاء حقیقتی است که بامتن بی ارتباط نیست :

با اینکه وکالت از مشاغل روحی و فکری فرسوده کننده میباشد که ایجاب می کند وکیل نسبت به بهداشت و آتیه خود اندیشه داشته باشد اما بالعکس تا وقتی که قادر به کار است بهیچوجه به استراحت و آسایش خود توجه ندارد و بهمین جهت عده قلیلی که به مصائب و کلا آشنا و خوش بین هستند ، وجود این خاصیت را معلول غرور و بی اعتنائی وکیل به امور مادی و توکل او می دانند ولی اکثریت که از مشکلات آگاه نبوده فکر می کنند وکیل نسبت به زندگی شخصی لا ابالی و بی اعتناء است که بالاخره نظر دسته دوم هم صحیح می باشد. در هر حال وکلای دادگستری برای خود قدمی برنداشته و یگانه طبقه ای که تا شهریور ۴۱ برای آتیه خود صرف وقت نموده و کلای دادگستری بوده و بالاخره تصمیم هیئت مدیره از اول شهریور سبب شد که وکلای دادگستری از عایدات خود صندوق تعاون ایجاد نمایند و چون وکلا به اجرای کامل کلیه نظریات قانون پایند میباشند لذا امیدواری حاصل است باینکه خیلی دیر به فکر خود افتاده خیلی زود تأسیس صندوق تعاون مرجع اتکاء و امید وکیل به آتیه خود باشد و اما بعد :

قانون فوق در اردی بهشت ۱۳۳۹ تصویب شده نهایت مورد استفاده و اجراء واقع نشده بود در صورتیکه هر گاه سعی شود از آن برخلاف حق و منظور اساسی سوء استفاده نشده و بمورد استفاده گردد ، از قوانین مفیدی است که در سرعت احقاق حق و تقلیل کار محاکم قضائی مؤثر بوده و هر گونه سکوت و ابهامی ظاهری هم که در مواد فرض میشود با حسن نظر و ایجاد رویه و تدابیر مقتضی و مترادف با اصول قابل حل است .

یعنی وکلای دادگستری میتوانند در اینمورد با داد گاهها همکاری و تشریک مساعی نموده که رفته رفته این قانون حاجت و نیازمندی افراد ذیحق را که امکان پرداخت هزینه و سالها سرگردانی را نداشته و مدیون آنها می خواهد از این ناتوانی آنها سوء استفاده نماید جلوگیری شده و در مورد این دسته از مردم و این نوع اسناد دادگستری حمایت کامل نماید

بهر حال این قانون تا دو ماه قبل مورد استفاده واقع نشده و چون سابقه عمل نداشت نسبت به طرز عمل و تشریفات باید از روح قوانین استفاده نمود و چون بعضی از عقلا و دانشمندان علم الاجتماع می گویند : «احتیاج توأم با اضطراب انسان را به تکافو و راهنمایی به راه حل مجبزه می کند» اینجانب در مقام انجام وظیفه همکاری در مورد یکی از همکاران نجیب و اصیل ناچار بودم از قانون مزبور استفاده کنم و بدیهی است بفرمولی که با ظاهر قانون انطباق داشته اقدام نموده ام. نهایت از نظر

مراحل اجرائی و فروعیات و موضوع جرمه مندرجه ظاهراً محتاج بحث و تطبیق آن با نظر قانونگذار و حفظ حقوق دولت و مصالح اجتماعی میباشد لذا با توجه بمراتب اینجانب نظریات خود را در معرض بررسی همکاران معظم قرار داده چنانچه استنباط و نظریه دیگری داشته باشند راهنمایی و ارشاد فرمایند که درآئیه برای عموم قابل استفاده باشد.

قانون فوق را از سه جهة باید مورد نظر قرار داد :

۱ - مبنا و ریشه قانون از کدام منبع حقوقی سرچشمه گرفته و از نظر تطبیق با قواعد حقوقی و عدالت اجتماعی تا چه مقدار شعاع می تواند داشته و بقول ارشمیدوس<sup>۱</sup> واضح علم ریاضی که تمام امور را با واحد عدد قابل اندازه گیری می داند فطرت و تابعیت اثر آن چقدر است ؟

۲ - چه تشریفات و حقوق و تکالیفی دائن و مدیون دارند ؟

۳ - قواعد و ضمانت اجرائی و حقوق دائن و دولت از اجرای قانون مزبور چه

مقدار است ؟

بشرح زیر نسبت به هر یک از مطالب سه گانه توضیح میدهد :

**الف - انسان از نظر خلقت و ادامه حیات احتیاجاتی داشته که برای رفع نیازمندی ناچار از کمک به یکدیگر بوده که بالنتیجه روابط مالی و حقوقی بین آنها برقرار می شود .**

در مرحله اول زندگی اجتماعی بشر به استفاده از خوراک ، پوشاک ، مسکن و بعد آمیزش ناچار بوده است . که هر کس باین مقدار از مواهب و ثمرات برخوردار بوده اکتفا و آنکه زائد بر احتیاج خود دارد به آنکه بواسطه آفت محصولش از بین رفته قرض بدهد این امر باعث پیدایش روابط حقوقی شده است .

و چون قرنهای قبل مسئله پول و سرمایه بصورت امروز در نیامده و در مقام حقوق افراد بر یکدیگر توسعه و سدی در بین نبود از آنجهت مبادلات بیشتر جنس و رقم عمده غلات ، حبوبات ، احشام بصورت نشانه و مهره های کلی بعداً مس و طلا بوده است .

و برای اینکه سرمایه با مواد مورد احتیاج متمرکز نشده و از احشام و چهارپایان عادلانه و به تساوی استفاده گردیده و اشجار و باغات خوب حفظ شود ملت ها و حکومتها تدریجاً قواعدی مقرر داشته که شاید اولین قوم و ملت حکومت های ایران و قوم حمورابی<sup>۲</sup>

۱ - ارشمیدس عالم ریاضی بین اواخر قرن ۳ و ۴ قبل از میلاد بوده و اولین کسی است که قواعد معادله و ترکیب را در مورد اشیاء و اجسام و خاصیت نباتات و بالاخره مفتاح خیلی مسائل و مجهولات ریاضی بود که در شرح حالات او می نویسند در بدو جوانی در مقابل دین بنده و اجیر بوده که بسبب آزار زیاد یک پای او شکسته میشود باخاتمه دوره اجیری خدمات بزرگی به عالم بشریت می نماید .

۲ - قوم حمورابی . سه هزار سال قبل از میلاد در مصر حکومت می نموده و اولین قواعد مربوط به حمایت از احشام و چهارپایان و مراقبت در حفظ باغات و اشجار و نظارت در تعدیل استفاده افراد از مواد اولیه را برقرار نموده و برای کسانی که مرتکب تخریب اشجار و اٹلاف حیوانات شده مجازاتهای شخصی برقرار نموده و مدیون را مکلف نموده چنانچه بتواند دین خود را ادا نماید از طریق خدمت برای دائن در مزارع برائت ذمه حاصل کند .

بوده است و بعداً روم قدیم نظاماتی وضع نموده که من الجمله مدیون تا پرداخت دین در اختیار دائن قرار میگرفته است.

بعد از ظهور اسلام شارع مقدس اسلام با هرگونه بندگی و استعمار و این نوع قیود مخالف بوده و رعایت اصل حرمت و تساوی را مقدم بر تمام امورمادی می دانست و از نظر اینکه ضمناً مسلمانان به یکدیگر کمک نموده و همه از ارکان اولیه زندگی استفاده نمایند اغنیاء را برای حمایت از ضعیفا ترغیب فرموده و برای اینکه ضمناً بیکاری و تنبلی رواج نداشته باشد اداء دین را فریضه و از عادات حسنه شناخته و از جهة جلوگیری از هرگونه تضییق و تحمیل یا توهین از ناحیه داین بر مدیون مفلس تاکیداتی فرموده و او را در پناه خدا قرار داده است.

این نظامات وقتی با خوی اصیل و راستگوی ایرانی توأم گردید سبب شد که کمتر ایرانی حاضر شود که شرعاً با وجود امکان مدیون مانده و با گذاشتن ثروت برای اولاد خود مدیون از دنیا برود.

در حقیقت نوشته و سند و ضامن اجرائی بین مردم قول و تعهد شفاهی و وثائق اخلاقی مانند موی سر یا ریش بوده و اعم از اینکه دائن نوشته یا سند داشته یا نداشته مدیون بهر ترتیب بود برائت ذمه خود را تحصیل می کرد.

با توضیح اینکه اساساً روابط و تعهدات مالی افراد در مقابل یکدیگر ارقام درست نمی شد زیرا پول رایج نقره و مقدار کمی طلا بوده و امکان حمل و نگهداری مشکل بوده و رقم قرض ده هزار تومان شاید نادر و بصورت تعهدات و معاملات نقدی در حدود امکان و احتیاج بوده و در فرصت کوتاهی تادیه می شد. بعد از رواج اسکناس و تأسیس اداره ثبت دامنه روابط تجاری اسناد رسمی و تجاری ضامن اجرای تعهدات و گردش سریع سرمایه قرارداد شده. حالیه این وسیله کافی بود یاخیر از موضوع بحث خارج است آنچه مربوط به موضوع است روابط و حقوق مالی افراد با یکدیگر است و اکثریت را تشکیل میدهد اسناد عادی و تعهداتی بود که خارج از دوشق مزبور بوده و این قسم از دعاوی میباشد که تا رسیدن دائن بحق خود مدتها طول کشیده و موجب نارضایتی مردم ازداد گشتی بود با اینکه در شهریور ۱۳۱۸ قانون آئین دادرسی مدنی برای دعوی تکذیب و جعل جرمه برقرار نموده و بعداً ضمن اصلاح محاکمه در دادگاه استان را یک مرحله نموده و مقرراتی برای تسریع گذراندند، هیچیک نتوانست کافی برای منظور باشد، لذا برای سرعت وصول اسناد عادی و بالاخره گردش سرمایه اتخاذ تدبیری را ایجاب می نمود که این نظر بصورت ماده واحده اردیبهشت ۳۹ درآمده است!

توضیح این نکته که قانون نامبرده سابقه نیز دارد. یعنی شبیه این قانون را دولت سمر در زمان حکومت ژنرال نجیب طرح که با نسخ قسمتی از قانون محاکمات عمومی شبیه این ماده جایگزین آن شده است.

بالحاظ موافق مزبور و مجموع قواعد و نظامات حقوقی که فلسفه آن ها تشریح شد. این قانون برای سرعت در وصول حق و جلوگیری از طرق احاطه مؤثر بوده و توضیحات فوق نحوه تشریفات و حقوق داین و مدیون را که در بند ب توضیح میشود روشن خواهد ساخت :

**ب -** وقتی روشن شد که منظور از ماده واحده چه بوده و در حقیقت این قانون برای وصول اسناد عادی مقرراتی شبیه صدور اجرائیه اسناد رسمی است که هر چند ماده واحده نسبت به هزینه و تشریفات ساکت است ولی از فلسفه قانون مزبور مقررات دیگر پرمی آید که از نظر دائن هیچگونه هزینه و تشریفات ندارد و چند نکته از مقررات قانون مزبور استنباط میشود :

- ۱ - استفاده از ماده واحده هزینه ندارد.
  - ۲ - تشریفات آن ارسال اظهارنامه و مطالبه است.
  - ۳ - هرگاه مدیون طی ده روز وجه را تودیع ننمود یا کتباً انکار دین ننمود دادگاه شهرستان و در مورد نصاب دادگاه بخش با تسلیم اظهارنامه و رونوشت سند و گواهی دفتر دادگاه گیرنده اظهارنامه مبادرت بصدور حکم می نماید.
  - ۴ - شرط استفاده ابلاغ واقعی اظهارنامه به مدیون است.
- در صورتیکه مدیون انکار دین نمود و دائن ناچار شد طبق آئین دادرسی مدنی دادخواست بدهد - در اینصورت پس از ثبوت دعوی محکوم به پرداخت تمام حقوق و خسارات دائن باضافه صدی ده جریمه میشود.

چنانچه پس از صدور حکم دادخواست و اخواهی داد نیز محکوم به پرداخت اصل و خسارت و خسارت حق الوکاله مرحله غیابی چنانچه وکیل باشد میشود. علت هم آنست که مرحله اولیه خسارتی به دائن نرسیده و فرضاً وکیل هم داشته باشد خسارت حق الوکاله بعهده خود دائن است ولی اگر انکار کرد دادخواست داده شد در اینصورت دائن هزینه و حق الوکاله که داده باید بپردازد ولی چنانچه طی ده روز انکار نکرد و دائن استفاده نمود نه خسارت دادرسی و نه حق الوکاله و نه جریمه تعلق نمی گیرد.

ضمناً نکته که شایان توجه است اینست که در مورد ماده واحده فقط مطلبی که مانع اجرای قانون مزبور است و مدیون حق دارد انکار دین است نه دفاع دیگر اگر مدیون دفاع نماید این دفاع مؤثر نیست بلکه بعد از صدور حکم میتواند دفاع نموده و چنانچه دفاع رد شد محکوم به پرداخت خسارت و جریمه میشود.

**ج -** مطلب دیگری که شایان نظر است جریمه مقرر در ماده واحده در صورت انکار یا اعتراض است که این جریمه متعلق بدولت است یا دائن. از توجه به عبارت آخر ماده ۵۰۵؛ قانون آئین دادرسی مدنی و ۵۴۲؛ قانون مزبور و عبارت آخر ماده واحده و بیجهت زیر متعلق به دائن می باشد زیرا :

اولاً - قانون گزار برای حمایت از حق دائن و به جبران اینکه بدون جهة و برخلاف واقع طلب او انکار و یا اعتراض داده شده است برای او قائل گردیده است. ثانیاً در آخر ماده ۵۰۵؛ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر شده است که این جریمه پس از ابرام حکم در دیوان کشور یا انقضای مدت فرجام وصول میشود در صورتیکه نسبت باصل فرجام مانع اجرای حکم نبوده و قابل اجراء است که بخوبی معلوم میشود جریمه مزبور حق محکوم له نیست.

ثالثاً در مورد تعلق جریمه ماده ۵۰۵؛ بدولت نمیتوان استدلال نمود چون بسبب تکذیب و دعوی جعل وقت قوه قضائی گرفته میشود لذا برای جلوگیری از تکذیب

و دعوی جعل و به جبران اتلاف وقت محاکم قضائی قانونگذار این طریق را پیش بینی نموده است. در مورد ماده واحده این فرضیه تحقق ندارد!

ولی مطلبی که نیز باید توضیح دهم اینست که در مورد صدی ده جریمه و استدلال مخالف عم میتوان بسود دولت نمود براینکه وقتی حقوق دولت برای وصول اسناد رسمی که مدیون هزینه داده صدی نیم باشد بطریق اولی برای وصول سند عادی باید بیشتر بوده. نهایت این قسمت فرضیات مختلفی است که در عمل باید روشن گردد که غرض قانونگذار چه بوده است و بهتر بود این قسمت از ماده واحده صریح تر تدوین و جریمه مقررین دائن و دولت منصف می شد. تا نظریه همکاران محترم چه باشد!

آنچه مسلم است و اینجانب عمل نمودم. اینکه استفاده از ماده واحده غیر از مطالبه وسیله اظهارنامه و ابلاغ واقعی به مدیون و تسلیم آن بدادگاه و تقاضای حکم تشریفاتی لازم داشته و هیچ گونه ابلاغ هم لازم ندارد.

**در اینمورد بعداً نیز توضیحات بیشتر خواهد داد**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی